

دانش و پژوهش در علوم تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)  
شماره نهم - بهار ۱۳۸۵  
صص ۷۷ - ۸۶

## ارزشیابی نظر دانشجویان و فارغ التحصیلان درباره برنامه‌های درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

محمدحسین یارمحمدیان<sup>۱</sup> - مریم سلمانی‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارزشیابی دروس تخصصی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان است. این پژوهش کاربردی است و با روش توصیفی - پیمایشی انجام گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش ۱۶۳ دانشجوی ترم آخر بودند که دروس تخصصی خود را گذرانده یا در حال گذراندن هستند و ۱۴۰ نفر فارغ التحصیلان همین رشته از سال ۱۳۸۱ تا کنون که جمعاً ۳۰۳ نفر می‌باشند. از این تعداد ۵۷ نفر از دانشجویان و ۵۱ نفر از فارغ التحصیلان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. اطلاعات لازم برای آزمون سؤالی‌های تحقیق از طریق پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت می‌باشد که ۲۰ درس تخصصی و ۵ مقوله اصلی (سؤالات تحقیق) با ۱۸ پرسش تنظیم گردید. ضریب اعتبار پرسشنامه با به کارگیری ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸ به دست آمد و برای سنجش روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد. اطلاعات به دست

آمده در این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (مان ویتنی) تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دروس تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی از نظر ایجاد دانش، ایجاد نگرش، ایجاد مهارت، تطابق با اصول طرح درس و اثربخش بودن در حد متوسط ارزیابی شدند. همچنین بین نظرات دانشجویان و دانش‌آموختگان تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نظرات پاسخگویان زن و مرد تفاوت چندانی وجود ندارد. کلید واژه‌ها: دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌درسی.

#### مقدمه

امروزه نیروی انسانی متخصص، عامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها به حساب می‌آید و سرمایه اصلی هر جامعه محسوب می‌شود. دانشگاه به‌عنوان بستر واقعی تربیت نیروی انسانی در خصوص ارتقای فناوری نقش غیر قابل انکاری ایفا می‌نماید.

«دانشگاه یکی از پرارزش‌ترین منابعی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد که به لحاظ دارا بودن دانش اعتبار زیادی کسب کرده‌اند و پویندگان راه علم و ترقی محسوب می‌گردند» (برانلی و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۱). دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وظیفه سنگینی برای تربیت اصولی دانشجویان براساس نیاز کشور به متخصصان دارند. لازمه عهده‌دار شدن چنین مسؤولیتی تلاش به‌منظور شناخت مشکلات برنامه‌ریزی، تدوین برنامه‌ها و ارزشیابی آنها، شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و در نهایت اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی است. بدون شک هر چه انتظارات دانشجویان در برنامه‌های درسی بیشتر برآورده شود، دیدگاه مثبت‌تری نسبت به فعالیتهای آموزشی خواهند داشت و هدف نهایی که پرورش نسل آینده در غالب افرادی تکامل یافته و رشد یافته است میسر خواهد شد.

سالویا و یسلدایک چهار دلیل اصلی برای ارزشیابی برنامه‌های آموزشی مطرح می‌کند؛ ۱- بهبود آموزشی، ۲- پاسخگویی عمومی، ۳- اطلاعات عمومی، ۴- سیاستگذاری (۱۹۹۸، ص ۷۴۲).

با انجام مداوم پژوهش در خصوص به روز بودن برنامه‌های درسی می‌توان برنامه‌ها را از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل کرد. در طی سالهای گذشته پژوهش‌هایی در زمینه ارزشیابی برنامه‌های درسی انجام شده است که به نتایج برخی از آنها اشاره می‌شود: سلمان‌زاده (۱۳۷۴) توان دانشجویان سال آخر و فارغ التحصیلان پزشکی در به کارگیری مهارت‌های اولیه و رویارویی با فوریت‌های پزشکی را بسیار کمتر از میزان مورد انتظار اهداف آموزشی می‌داند. تیموری (۱۳۷۵) متوجه شد گروه‌های مختلف کارآموز مشکلات مختلفی در آموزش دارند و ضعف آموزشی در برنامه‌های درسی است. تفرشی (۱۳۷۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۸۳/۱۲ درصد جامعه مورد پژوهش معتقدند که برنامه آموزشی کنونی با نیازهای موجود در این حرفه مطابقت ندارد و ۴۵/۴۵ درصد فارغ التحصیلان عقیده دارند باید بر شناخت و کاربرد انواع فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی تأکید شود. همچنین آموزش این فناوریها در دادن اطلاعات، آمار و داده‌پردازی به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای موجود نیستند. موسی‌پور و شعبانی (۱۳۷۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در درس ارائه شده رشته دکتری علوم تربیتی زمان کمی به هر درس اختصاص داده می‌شود و باعث شده درس به صورت ناتمام و ناقص عرضه شود. عشق و علاقه به یادگیری در دانشجویان کمرنگ شده است و بر حفظ مطالب در آزمون جامع تأکید زیادی شده است. نوری (۱۳۷۷) نگرش معلمان نسبت به برنامه‌های تربیت بدنی در نظام جدید را متوسط و تا حدودی به سمت منفی می‌داند. محمودزاده و همکاران (۱۳۷۷) متوجه شدند بین کمیت درسی که استادان ارائه می‌دهند و توانایی دانشجویان در به کار بردن آموخته‌ها رابطه وجود دارد. صادقی (۱۳۷۹) متوجه شد ۸۶ درصد افراد نگرش مثبت نسبت به برنامه‌های بهداشت روانی داشتند و با توجه به نتایج به دست آمده بیماریابی و پیگیری بیماران با اهداف برنامه فاصله زیادی دارد و ارجاع و تغییر نگرش مثبت آنان مطابق با اهداف برنامه ارزیابی شده است. زارعی (۱۳۸۲) نتیجه گرفت که ارتباط بین محتوای درس ارائه شده و تواناییها و امکانات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت با نیاز جامعه و خواسته و علائق دانشجویان کمتر از متوسط است. مطالعه بک‌من (۱۹۹۰) با هدف نظرخواهی از استادان و مسؤولان حوزه زنان و زایمان در آمریکا و کانادا در رابطه با اهمیت ارزشیابی برنامه‌های آموزشی نشان می‌دهد که آنان معتقد بودند باید ارزشیابی از برنامه‌های آموزشی صورت پذیرد. همچنین نظر خود را در مورد انطباق

آگاهی و دانش دانشجویان با اهداف آموزش و مستمر بودن ارزیابی صلاحیت‌های بالینی اعلام نمودند. جان مارتین و رابرت کاری (۱۹۹۸) در ارزشیابی روش تدریس و آموزش بالینی به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان به دنبال بهبود تجربیات یادگیری، مشارکت در پیشرفت تحصیلی خود، ایجاد فضای کارگروهی و همکاری با استادان و افزایش کیفیت تسلط بر خود هستند و آموزش‌های فعلی را تا حدی مطلوب ارزیابی نموده‌اند.

### اهداف پژوهش

- ۱- تعیین تأثیر دروس تخصصی ارائه شده در خصوص ایجاد دانش
- ۲- تعیین تأثیر دروس تخصصی ارائه شده در خصوص ایجاد نگرش
- ۳- تعیین تأثیر دروس تخصصی ارائه شده در خصوص ایجاد مهارت
- ۴- تعیین میزان تطابق برنامه‌های درسی ارائه شده با اصول طرح درس
- ۵- تعیین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی
- ۶- مقایسه نظرات دانشجویان و دانش‌آموختگان
- ۷- مقایسه نظرات پاسخگویان زن و پاسخگویان مرد

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده آگاهی لازم را ایجاد می‌کند؟
- ۲- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده نگرش لازم را ایجاد می‌کند؟
- ۳- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده مهارت لازم را ایجاد می‌کند؟
- ۴- تا چه میزان برنامه‌های درسی ارائه شده با اصول طرح درس منطبق است؟
- ۵- تا چه میزان برنامه‌های درسی ارائه شده اثربخشی لازم را ایجاد می‌کند؟
- ۶- آیا بین نظرات دانشجویان و دانش‌آموختگان تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین نظرات پاسخگویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؟

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی است که به توصیف دیدگاه‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان درباره برنامه‌های درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان ترم آخر دانشگاه آزاد واحد

خوراسگان در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی بودند که دروس تخصصی خود را گذرانده یا در حال گذراندن هستند؛ همچنین فارغ‌التحصیلان همین رشته که از سال ۱۳۸۱ تاکنون فارغ‌التحصیلان شده‌اند ۱۴۰ نفر می‌باشد، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۱۰۸ نفر از آنها به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند و متغیر جنسیت نیز در نظر گرفته شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته و بسته‌پاسخ شامل ۱۸ پرسش در ارتباط با متغیرهای دانش، نگرش، مهارت، تطابق با اصول طرح درس و اثربخش بودن استفاده شده است. ضریب اعتبار پرسشنامه با به‌کارگیری ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸ به‌دست آمده است. برای سنجش روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده گردید. اطلاعات به‌دست آمده در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی برای سنجش جمعیت‌شناختی از مشخصه‌های درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی برای تحلیل فرضیه‌ها از آزمون مان‌ویتنی استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده آگاهی لازم را ایجاد می‌کند؟

جدول ۱- مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مربوط به میزان آگاهی ایجاد شده

میانگین نظرات فارغ‌التحصیلان	میانگین نظرات دانشجویان	میانگین نظرات پاسخگویان زن	میانگین نظرات پاسخگویان مرد	میانگین نظرات کل
۲/۸۵	۳/۰۶	۲/۹۶	۲/۷۸	۲/۹۱

میانگین کل ۲/۹۱ می‌باشد که نشان‌دهنده نظرات کل پاسخگویان در حد متوسط است و پاسخگویان میزان دانش و آگاهی ایجاد شده از طریق برنامه‌های درسی تخصصی را تا حدی مطلوب ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های فرعی این سؤال نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان میزان ایجاد آگاهی دروس مسائل نوجوانان و جوانان و کاربرد مقدمات رایانه در حد بسیار مطلوب و میزان ایجاد آگاهی و دانش دروس سازمان و قوانین آموزش و پرورش و آموزش بزرگسالان در حد متوسط و روبه سمت منفی است.

فرضیه ۲- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده نگرش لازم را ایجاد می‌کند؟

جدول ۲- مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مربوط به میزان نگرش ایجاد شده

میانگین نظرات فارغ‌التحصیلان	میانگین نظرات دانشجویان	میانگین نظرات پاسخگویان زن	میانگین نظرات پاسخگویان مرد	میانگین نظرات کل
۲/۸۰	۳/۲۲	۲/۹۶	۳/۱۸	۳/۰۴

میانگین کل ۳/۰۴ می‌باشد که نشان‌دهنده نظرات کل پاسخگویان در حد متوسط است. بدین ترتیب پاسخگویان، نگرش ایجاد شده از طریق برنامه‌های درسی تخصصی را تا حدی مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

یافته‌های فرعی این سؤال نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، میزان ایجاد نگرش دروس مسائل نوجوانان و جوانان و روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت در حد بسیار مطلوب و میزان ایجاد نگرش در دروس آموزش بزرگسالان و سازمان و قوانین آموزش و پرورش در حد نامطلوب است.

فرضیه ۳- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده مهارت لازم را ایجاد می‌کند؟

جدول ۳- مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مربوط به میزان مهارت ایجاد شده

میانگین نظرات فارغ‌التحصیلان	میانگین نظرات دانشجویان	میانگین نظرات پاسخگویان زن	میانگین نظرات پاسخگویان مرد	میانگین نظرات کل
۲/۸۲	۳/۲۵	۲/۹۷	۳/۰۸	۳/۰۳

میانگین کل ۳/۰۳ می‌باشد که نشان‌دهنده نظرات کل پاسخگویان در حد متوسط است. بدین ترتیب پاسخگویان، مهارت ایجاد شده از طریق برنامه‌های درسی تخصصی را تا حدی مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

یافته‌های فرعی این سؤال نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، میزان ایجاد مهارت در دروس کاربرد مقدمات کامپیوتر در مدیریت و روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم

و تربیت در حد بسیار مطلوب و میزان ایجاد مهارت در دروس آموزش بزرگسالان و سازمان و قوانین آموزش و پرورش در حد نامطلوب است.  
فرضیه ۴- تا چه میزان دروس تخصصی ارائه شده با اصول طرح درس منطبق است؟

جدول ۴- مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مربوط به تطابق با اصول درس

میانگین نظرات فارغ التحصیلان	میانگین نظرات دانشجویان	میانگین نظرات پاسخگویان زن	میانگین نظرات پاسخگویان مرد	میانگین نظرات کل
۲/۷۳	۲/۹۶	۲/۸۱	۲/۸۲	۲/۸۳

میانگین کل ۲/۸۳ می باشد که نشان دهنده نظرات کل پاسخگویان در حد متوسط است و پاسخگویان، میزان تطابق برنامه های درسی را در حد متوسط ارزیابی کرده اند. یافته های فرعی این سؤال نشان می دهد که از نظر پاسخگویان، تطابق با اصول طرح درس در دروس کاربرد مقدمات کامپیوتر در مدیریت و مسائل نوجوانان و جوانان در حد مطلوب و در دروس سازمان و قوانین آموزش و پرورش و آموزش بزرگسالان در حد نامطلوب است.

فرضیه ۵- تا چه میزان برنامه های دروس تخصصی ارائه شده اثربخش می باشند؟

جدول ۵- مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مربوط به اثربخش بودن برنامه ها

میانگین نظرات فارغ التحصیلان	میانگین نظرات دانشجویان	میانگین نظرات پاسخگویان زن	میانگین نظرات پاسخگویان مرد	میانگین نظرات کل
۳/۱۶	۳/۴۵	۳/۲۹	۳/۲۹	۳/۲۹

میانگین کل ۳/۲۹ می باشد که نشان دهنده نظرات کل پاسخگویان در حد متوسط است و پاسخگویان، میزان اثربخش بودن برنامه های درسی را در حد مطلوب ارزیابی کرده اند. یافته های فرعی این سؤال نشان می دهد که از نظر پاسخگویان، میزان اثربخشی برنامه های درسی کاربرد مقدمات کامپیوتر در مسائل نوجوانان و جوانان در حد بسیار مطلوب و اثربخشی برنامه های درسی سازمان و قوانین آموزش و پرورش در حد مطلوب است.

فرضیه ۶- آیا تفاوت معناداری بین نظرات دانشجویان در حال تحصیل و فارغ‌التحصیلان وجود دارد؟

نظرات دانش‌آموختگان و دانشجویان در برنامه‌های درسی اصول مدیریت آموزشی، اصول برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت اسلامی، اصول برنامه‌ریزی درسی، مسائل نوجوانان و جوانان، متون زبان خارجه در برنامه‌ریزی آموزشی در خصوص هر ۵ فرضیه پژوهش کاملاً مشابه است، اما در سایر دروس، نظرات موافق و مخالف نسبت به هر درس و در مورد هر سؤال پژوهش وجود دارد. در مجموع دانش‌آموختگان و دانشجویان نظرات متفاوتی درباره سؤالات پژوهش داشته‌اند و می‌توان گفت تفاوت معناداری بین نظرات دانش‌آموختگان و دانشجویان وجود دارد؟

فرضیه ۷- آیا تفاوت معناداری بین نظرات پاسخگویان زن و مرد وجود دارد؟

بین نظرات پاسخگویان زن و مرد در برنامه‌های درسی نظارت و راهنمایی تعلیماتی، روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، سازمان و قوانین آموزش و پرورش، مبانی امور مالی و تنظیم بودجه، اصول برنامه‌ریزی درسی، راهنمایی تحصیلی شغلی، برنامه‌ریزی آموزش ضمن خدمت، آموزش بزرگسالان، اصول حسابداری، متون زبان خارجه در برنامه‌ریزی، متون زبان خارجه در مدیریت، کار عملی در آموزشگاه و کار عملی در سازمانها توافق کامل وجود دارد و پاسخگویان زن و مرد نظرات مشابهی در ارتباط با ۵ فرضیه اول تحقیق داشته‌اند. همچنین نظرات پاسخگویان زن و مرد بسیار شبیه به هم است و در مجموع می‌توان گفت چندان تفاوت معناداری بین نظرات پاسخگویان زن و مرد وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های سلمان‌زاده (۱۳۷۴)، تیموری (۱۳۷۵)، تفرشی (۱۳۷۶)، موسی‌پور و شعبانی (۱۳۷۶)، نوروزی (۱۳۷۹) و زارعی (۱۳۸۲) همخوانی ندارد. این پژوهشگران معتقد به ضعف آموزش در برنامه‌های درسی هستند و به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های درسی دانشگاهها از کارآیی لازم برخوردار نمی‌باشند، اما نتایج این پژوهش میزان ایجاد دانش، نگرش، مهارت و اثربخشی در برنامه‌های درسی تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را تا حدی مطلوب ارزیابی کرده‌اند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های موسی‌پور و شعبانی (۱۳۷۶) و صادقی (۱۳۷۹) و بک‌من



(۱۹۹۰) و جان مارتین و رابرت کاری (۱۹۹۸) همخوانی دارد؛ این پژوهشگران تأثیر برنامه‌های درسی را تا حدی مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بالاترین میانگین نظرات پاسخگویان نسبت به برنامه‌های درسی در مورد اثربخش بودن برنامه‌ها و کمترین میانگین نظرات، نسبت به میزان ایجاد آگاهی و دانش می‌باشد. همچنین در برنامه‌های درسی اصول برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت آموزشی، مدیریت اسلامی، اصول برنامه‌ریزی درسی، نظارت و راهنمایی تحصیلی، راهنمایی شغلی، روابط انسانی در سازمانها، برنامه‌ریزی آموزش ضمن خدمت، مسائل نوجوانان و جوانان، پروژه تحقیقاتی، متون زبان خارجه در برنامه‌ریزی و کار عملی در آموزشگاه بالاترین میانگین نظرات مربوط به اثربخش بودن برنامه‌های درسی در این دروس در حد مطلوب و بسیار مطلوب است و کمترین میانگین نظرات مربوط به تطابق با اصول طرح درس که در حد نامطلوب می‌باشد.

دروس کاربرد مقدمات رایانه در مدیریت، مسائل نوجوانان و جوانان و روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت بالاترین میانگین نظرات پاسخگویان را به خود اختصاص داده و این دروس از نظر پاسخگویان در ارتباط با ۵ متغیر تحقیق (دانش، نگرش، مهارت، تطابق با اصول طرح درس و اثربخشی) بسیار مطلوب می‌باشد.

دروس سازمان و قوانین آموزش و پرورش و آموزش بزرگسالان نیز کمترین میانگین نظرات را به خود اختصاص داده‌اند و از دیدگاه پاسخگویان چندان مطلوب نیستند. یافته‌های اصلی تحقیق نشان‌دهنده آن است که در مجموع دانشجویان در مقایسه با فارغ التحصیلان نظرات مطلوب‌تری نسبت به برنامه‌های درسی دارند که این موضوع به دلیل نیازهای متفاوت دانشجویان و فارغ التحصیلان است. دانش‌آموختگان به دلیل آنکه جذب بازار کار می‌شوند نیازهای شغلی آنان برتری بیشتری پیدا می‌کند.

## منابع

- تفرشی، م. ه. (۱۳۷۶)، «بررسی نظرات فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پیرامون برنامه آموزشی این رشته»، چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- تیموری، م. (۱۳۷۵)، «ارزشیابی برنامه‌های آموزشی کارورزان پزشکی در ۴ گروه داخلی،

اطفال، زنان و زایمان در رابطه با بیماریهای شایع سرپایی و اورژانسی دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

زارعی، ر. (۱۳۸۲)، «بررسی نگرش دانشجویان رشته حسابداری در باب اهمیت و فایدهٔ درس ارائه شده به آنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

سلمان‌زاده و همکاران. (۱۳۷۴)، «بررسی نظرات فارغ‌التحصیلان پزشکی دربارهٔ محتوای آموزشی و کارایی آن در انطباق با نیازمندیهای بهداشتی و درمانی جامعه»، فصلنامه پژوهشی و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم.

صادقی، ب. (۱۳۷۹)، ارزشیابی حاصل برنامه بهداشت روانی در سطح خانه‌های بهداشت و مرکز بهداشتی و درمانی و روستای اصفهان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی اصفهان.

محمودزاده ز، ش شاذری، ا، حسن زاده. (۱۳۷۷)، «ارزشیابی برنامه‌های درسی دانشجویان دوره کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی دانشکده بهداشت اصفهان»، مجله علمی پژوهشی دانشکده پزشکی اصفهان، سال سوم، شماره ۱، انتشارات بهار.

موسی‌پور، ن و ب، شعبانی. (۱۳۷۶)، «ارزشیابی برنامه درسی مقطع دکترای رشته‌های علوم تربیتی در ایران» مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

نوروزی، م. (۱۳۷۷)، «ارزشیابی برنامه‌های تربیت بدنی در نظام جدید آموزش متوسطه ۱۳۷۷ رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

BEEK MAN, C.R., LING, F.W. "Undergraduate Medical Education in obstetrics and gynacology in the U.S.A and Canada 1985". Journal, 1990, May P. 2. 24-226.

BROWNLEE, A. and ASSOCIATES. (1992). Strategies for involvement of universities and Reserch institution health system research. Vol III. Who.

MARTIN, J. and CARY, R. (1998). The student in intiated faculty Assisted system of evaluation of clinical teaching of the university of Virginia. P. 40.

SAVIA, J. YSSELDYKE, J.E. (1998). Assessment (7 nded). Boston, Houghton Mifflin company.